خبر

کاهش زندانی در گلستان

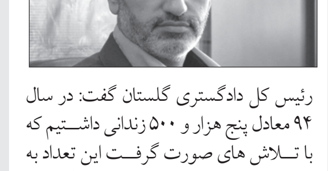

رئیس کل دادگستری گلستان گفت: در سال ۹۴ معادل پنج هزار و ۵۰۰ زندانی داشـتیم که با تـلاش های صورت گرفـت این تعداد به چهار هزار زندانی کاهـش یافت. به گزارش مهر، هادی هاشمیان در مراسم تودیع و معارفه دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان، اظهار کرد: دادسـتان ها، حوزه فعالیت گسترده ای دارنـد و ۳۱۴ وظیفه برای آن ها احصا شـده است. وی افزود: رهبر معظم انقلاب بر سلامت دستگاه قضایی و بالاخص دادستان تأکید دارند زیرا باید سـلامت درون و بیرون دسـتگاه را تأمین کند. هاشمیان تصریح کرد: در دستگاه نظارتی حمایت های پنهان زیادی وجود دارد و همه به نظارت این حوزه ها نیاز داریم. وی با بیان این که سلامتی که در دستگاه قضا وجود دارد، مثال زدنی است، گفت: در استان ۴۰۰ هزار پرونده وجود دارد و به همین تعداد هم امکان تخلف وجود دارد، اما این عدد بسیار اندک است. هاشمیان گفت: حتی یک تخلف هم در دستگاه قضایی زیاد است زیرا در قوه قضاییه همه با یک واسـطه به ابلاغ رهبری متصل هستند و کار با حساسیتی است. وی با بیان این که با تأکیدات رئیس قوه قضاییه این حساسیت بیشتر هم شده، اظهار کرد: دادستان ها مدعی العمـوم و زبان گویای مردم و بی پناهان هستند بنابراین وظیفه سنگینی بر عهده دارند. هاشمیان گفت: باید همه ما ناظری بر کار خود را متصور باشـیم وگرنه طغیان می کنیم و این از خصایص انسـان اسـت. وی با بیان این که دادسـتان هـا باید وقت خود را بر نظارت بر امور مـردم بگذارند، افزود: نظارت دادسـتان ها بر حقوق عامه حرکت خوبی است که ایجاد شده و معاونت خاصی هم در این زمینه تعریف شـده است.رئیس دادگسـتری گلسـتان تأکید کرد: مردم به ما اعتمـاد دارند کـه امورات خویـش را به ما واگذار کرده اند وگرنه پای کار خواهند آمد. وی با بیان این که ناکارآمدی مسئولان سبب ورود مردم به عرصه گرفتن حق می شـود، گفت: همدلی که در گلستان وجود دارد طبق فرموده رهبری نه تنها در کشور بلکه در جهان اسلام مثال زدنی است. هاشمیان از زحمات شورای تأمین استان قدردانی کرد و گفت: در اغتشاشـات، استان بسیار خوب عمل کرد و سرآمد استان های دیگر بود.

گلستان در شرایط مطلوب توسعه ای قرار دارد

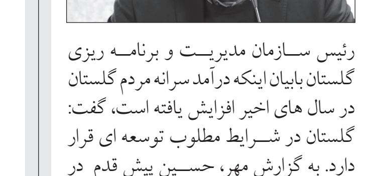

رئیس سـازمان مدیریـت و برنامـه ریزی گلستان بابیان اینکه درآمد سرانه مردم گلستان در سال های اخیر افزایش یافته است، گفت: گلستان در شـرایط مطلوب توسعه ای قرار دارد. به گزارش مهر، حسـین پیش قدم در جلسه کمیته استانی مجمع استانداران کشور که به میزبانی گلستان برگزار شد، اظهار کرد: بر اساس سرشـماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ حـدود ۴۷ درصد جمعیت گلسـتان در روستاها ساکن هسـتند.وی بابیان اینکه میانگین کشور در این حوزه ۲۶ درصد است، افزود: در بهـار ۱۳۸۴ رتبه اشـتغال ناقص گلسـتان با ۱۹.۴ درصد رتبه یک کشور بود و خوشـبختانه در پاییز ۹۵ اشـتغال ناقص گلستان به ۱۸و۶ درصد کاهش یافت.رئیس سـازمان مدیریت و برنامه ریزی گلسـتان بابیان اینکه رتبه گلسـتان در سال ۹۵ به ۲۸ و پاییز ۹۶ به ۲۵ رسـید، ادامه داد: بر اساس آمار بانک مرکزی درآمد سرانه حوزه شهری در سـال ۱۳۹۳ حدود ۳۱ میلیون و ۷۰۰ هزا تومان در سـال بوده و این رقم در گلسـتان ۲۵ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان بوده است.وی با بیان اینکه درآمد سرانه در حوزه روستایی کشور ۱۷ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان است و درآمد سرانه روستاییان گلستان ۱۶ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان بوده اسـت، اضافه کرد: هم اکنون رتبه درآمد سرانه شهری گلستان ۲۱ و رتبه روستـایی گلستان رتبه ۱۸ است و این امر نشان می دهد گلستان در شرایط مطلوب توسعه قرار دارد.پیش قدم با یادآوری اینکه ۹۲ محصـول زراعـی و باغی کشـور در گلستان تولید می شود به محدودیت های زیرساختی اسـتان اشـاره و تصریح کرد: پایین بـودن ارزش افزوده بخش اقتصادی، پایین بودن درآمد سرانه، پایین بودن درصد ظرفیت اسمی کارخانه های آرد، نرخ بالای جمعیت اشتغال ناقص زمانی، کمبود منابع آب در بخـش توسـعه پایدار و خطرات ناشـی از ریزگردهـا و بلایـای طبیعـی و همچنین کاهش شـدید منابع آبی سطحی و زیر سـطحی مهم ترین محدودیت های زیرساختی استان است.

مقام دوم گلستان در شیوع مواد مخدر

آمارها نشان می دهد گلستان از نظر شیوع مواد مخدر با افزایش چشمگیر مصرف، به رتبه دوم کشوری رسیده و مسـئولان می گویند تا مبارزه مردمی نشود نمی توان انتظار نتیجه مطلوب داشت. به گزارش مهر، بررسی‌های آماری نشان می‌دهد گلسـتان رتبه دوم مواد مخدر در کشور را به خود اختصاص داده است. به عقیده برخی مسئولان حوزه آسـیب‌های اجتماعی، گلستان به دلیل بارانداز بودن ترانزیت مواد مخدر به دیگر اسـتان‌های کشـور به این آسیب دچار شده و از سوی دیگر برخی عوامل از جمله بیکاری، افزایش ورود مهاجران، افزایش بیماری‌هـای روحی و روانی از جمله افسـردگی‌ها و دیگر آسـیب‌های اجتماعی موجب افزایش مصرف و ورود مواد مخدر به گلسـتان شـده است. چندی پیش نیز مدیرکل دفتر تحقیقات و آموزش ستاد مبارزه با مواد مخدر کشـور، عنوان کرده بود که رشد شیوع مصرف مواد مخدر در گلستان به عنوان دومین استان پر مصرف کشور، روند نگران کننده‌ای دارد.

جزیره‌ای عمل کردن در حـوزه مواد مخدر موفقیت آمیز نیست

به گفته مدیر کل حقوقی و امور مجلس ستاد مبارزه با مواد مخدرکشور، مساله اعتیاد و مخدرها به عنوان یک آسیب اجتماعی ساختار پیچیده‌ای در مباحث اجتماعی دارد و چنانچـه هر یک از اجـزای این پدیده را نادیده بگیریم، هر گونه هزینه برای کاهش و یا پیشـگیری از آن اتلاف منابع خواهد بود. علی علیزاده با بیان اینکه در حالت کلی موضوع مواد مخدر یک موضوع تنیده شده با حلقه‌های متفاوت است، اظهار کرد: زیرساخت‌های اجتماعی و فرهنگـی، اقتصادی، خانـواده، آموزش و اقدامـات قضائی از جمله حلقه‌های این زنجیر اسـت که چنانچه یک حلقه نادیده گرفته شود، مبارزه در این عرصه بلا اثر خواهد بود. وی ادامه داد: در حوزه درمان و کاهش آسـیب‌ها، چنانچه دسـتگاه‌های مرتبط برای انجام این برنامه‌هـا در کنار یکدیگر قرار نگیرند، فائق آمدن بر این معضل اجتماعی بسیار سخت خواهد شد و هیچگاه نمی‌توان با جزیره‌ای عمل کردن به شـرایط مطلوب رسـید و موفقیت آمیز نیسـت. علیزاده گفت: بیش از ۲۰ دسـتگاه اجرائی در امر مبارزه با مواد مخدر سهیم هسـتند، اما همچنان مواد مخدر وارد می‌شود و بسیاری از معتادان بهبود یافته متاسفانه به سمت مواد باز می‌گردند. وی با بیـان این که گردش مالی مواد مخدر غیر قابل توصیف اسـت ادامـه داد: همانطور که مبالغ بالایی در این حوزه رد و بدل می‌شـود، به همان میزان مبارزه با آن هزینه‌بر است.

موفقیت در حوزه مواد مخدر و اعتیاد برون سپاری نیاز دارد

مدیرکل حقوقی و امور مجلس سـتاد مبـارزه با مواد مخدر، ادامه داد: یکی از سیاست‌های جدید ستاد مبارزه با مواد مخدر، برون سپاری سیاست‌های کاهش تقاضا با این بحـران اجتماعی به بخش خصوصی، همچون سـمن‌ها است. این مقام مسـئول در حوزه مواد مخدر افزود: مسـئولان این حـوزه، پس از سـال‌ها مبارزه و اقدامات پیشگیرانه در این عرصه به این نتیجه رسیده‌اند که موفقیت در این راه و کاهش مصرف مواد در کشور باید به سمت اجتماعی کردن مواد مخدر، یعنی پیشگیری اولیـه و ثانویه متمرکز شـود که آموزش و اسـتفاده از سـازمان‌های مردم نهاد در ایـن راه از اولویت‌های این سـتاد اسـت. وی بیان کرد: با توجه به این‌که بیکاری یکی از دلایل گرایش افراد به مواد مخدر عنوان شـده، با دخیل کردن این سـازمان‌ها و ارائه تسهیلات به آن‌ها در امر آموزش، اشـتغال و حمایت از معتاد بهبود یافته، سـعی بر آن شده تا این حجمه از دوش دولت برداشته شـود و صیانت از بهبود یافتگان در دستان اجتماع قرار گیرد. علیزاده افزود: آن اندازه که سازمان‌های مردم نهاد در امر مبارزه با این پدیده ضد اجتماعی موفق خواهند شد، دستگاه‌های دولتی این موفقیت را نخواهند داشت.

اعتیاد در راس آسیب‌های اجتماعی استان قرار دارد

در ادامه برای برای بررسـی بیشـتر این مساله به سراغ دبیر سـتاد مبارزه با مواد مخدر اسـتان رفتیم. محمود رضا روحانی‌فر با بیان اینکه اعتیاد در راس آسیب‌های اجتماعی اسـتان قرار دارد، گفت: مسـأله پیشگیری از اعتیاد و مبارزه با مواد مخدر اولویت اول مسئولان استان است و جا دارد همه اعضای کمیته بخصوص رسانه‌ها در بحث اجتماعی شـدن امر مبـارزه با مواد مخدر که می‌تواند اثرگذاری ویژه‌ای در جامعه داشته باشد، اهتمام بورزنـد. محمود رضا روحانی فر، افزود: مبارزه با مواد مخدر دغدغه همه مسئولان استانی و کشوری است، اما با توجه به رشـد فزاینده مواد مخدر صنعتی در جامعه، این مقدار کار کافی نیست و برای موضوع به این مهمی باید بیشتر وقت بگذاریم.وی در ادامه با بیان این‌که سن اسـتفاده از مواد مخدر در کشور و استان رو به کاهش است، گفت: یکی از عمده ترین دلایل افزایش این آسیب آشـنا نبودن بسـیاری از خانواده‌ها با انواع مواد مخدر و در دسـترس بودن برخی مخدرها است که والدین پس از ابتلای دائم فرزندان متوجه آن می‌شـوند. روحانی فر افزود: بی بو بودن و مصرف آسـان مواد مخدر صنعتی جدید که مورد پسند بسیاری از نوجوانان و جوانان است، موجب شده تا بازار خوبی برای سودجویان و دلالان آن در استان ایجاد شود.

پنهان کاری در حوزه مواد مخدر و اعتیاد قانع کننده نیست

وی با بیان اینکه در بسیاری مواقع مسئولان به ناچار از ارائه اصل آمار در حوزه اعتیاد و مصرف مواد خودداری می‌کنند، اظهار کـرد: این پنهان کاری شـاید به نوعی موجب شده تا بسیاری از شهروندان از اولویت‌دار بودن این مساله در بحث آسیب‌های اجتماعی بی‌اطلاع باشند و زمینه سـودجوئی برخی افراد را هـم بوجود آورده است. این مقام مسـئول در حوزه مبارزه با مواد مخدر خاطرنشان کرد: تا زمانیکه مبارزه با مواد مخدر مردمی و همگانی نشـود، نمی‌توان انتظار کسـب موفقیت در این حوزه را داشـت. وی گفت: با توجه به اینکه تنوع قومی در گلستان بسیار زیاد است و مهاجران زیادی را در خود جای داده اسـت، ترانزیت مواد مخدر به استان و درگیر شـدن خانواده‌ها با آن یکی از عوامل افزایش مصرف این مواد در استان است. دبیر ستاد مبارزه با مواد مخدر استان افزود: افزایش کشفیات هر ساله مواد مخدر در اسـتان نشان دهنده این مساله است که به رغم همه تلاش‌های انجام شده، نیازمند برنامه‌ریزی‌های جدیدی در این حوزه هسـتیم. وی در ادامه با اشاره به ظرفیت گسترده شـبکه‌های اجتماعی بیان کرد: در حال حاضر بیشترین جمعیت کشور مخاطب فضای مجازی هستند و باید از ظرفیتی به این بزرگی در حوزه اطلاع رسانی و پیشگیری از اعتیاد، بیشتر بهره گرفت.

تدوین سند جامع پیشگیری از اعتیاد

با توجه به اینکه سـازمان بهزستی یکی از چند دستگاه دولتی دخیل در امر مبارزه با اعتیاد است به سراغ مدیر کل بهزیستی گلسـتان رفتیم و وی خبر از تدوین سند جامع پیشـگیری اعتیاد در اسـتان داد. ابراهیم غفاری گفت: این سـند که با مشارکت ۳۰ استاد و متخصص تهیه شده به تازگی با همکاری دستگاه مرتبط به اجرا در آمده است. وی افزود: این طرح ۵ ساله بوده و با هدف مشارکت ۲۳ دستگاه فرهنگی دخیل در امر پیشگیری و کاهش اعتیاد در جامعه عملیاتی می‌شـود. وی با اشاره به تعداد مراکـز ترک اعتیاد تحت نظارت بهزیسـتی، خاطرنشـان کرد: هـم اکنون ۶۰ مرکز درمان سـرپایی اعتیـاد، ۲۸ مرکز اقامتی میان مـدت ترک اعتیاد، چهار مرکز (DIC کاهش آسـیب)، ۶ تیم سـیار و دو مرکز سرپناه شبانه درسطح استان وجود دارد. غفاری ادامه داد: در این مراکز معتادان دارو درمانی دریافت می‌کنند و در مدت ۸۰ روز بدنشان سمزدایی می‌شود. وی بیان کرد: علاوه بر خدمات سمزدایی در مراکز تی.سی روان‌کاوی و روانشناسـی انجام می‌شـود و سازمان بهزیستی در سیاسـت‌های خود به بخش اشـتغالزایی معتادان نیز توجه کرده اسـت. به گفته مدیر کل بهزیستی استان، سـال گذشته ۶ هزار معتاد در مراکز ترک اعتیاد استان نگهداری می‌شـدند و ۹ هزار معتاد به مراکز سرپایی مراجعه کردند که درمان معتادان به صورت سـرپایی همواره ادامه دارد، ولی در اقامتی‌ها خدمات مددکاری پس از ترک مرکز از سـوی بهزیستی انجام می‌شود. وی بـا بیان این‌کـه اولین مرکز تی سـی ترک اعتیاد توسـط بخش خصوصی در گلستان راه اندازی شده اسـت، اظهار کرد: سیاسـت بهزیسـتی این است که این مراکز را برای معتادان گسـترش دهد.وی افزود: بخشی از هزینه‌ها بهبود معتادان در این مراکز از سوی بهزیستی به صورت سرانه پرداخت می‌شود و قسمتی دیگر از مددجو دریافت می‌شود.

کشف ۴۲ درصدی مواد مخدر در گلستان

با توجه به اینکه هر ساله مواد مخدر قابل توجهی در اسـتان کشف و ضبط می شود، رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر اسـتان، از کشـف ۶ تن و ۱۰۰ کیلوگرم انواع مواد مخدر از ابتدای سـال تاکنون در گلسـتان خبر داد و گفت: در این راسـتا ۳۸ باند تهیه و توزیع مواد مخدر شناسایی و منهدم شده است. شعبان غربا افـزود: از این میزان مواد کشـف شـده، چهار تن و ۴۵۰ کیلوگـرم از نوع تریـاک، ۱۰۱ کیلوگرم از نوع حشـیش، ۱۹ کیلو و ۸۰۰ گرم از نوع شیشـه، چهار کیلو و ۲۰۰ گرم از نوع هروئین و باقی از سـایر انواع مواد مخدر اسـت. وی افزود: میزان مواد کشف شده طی این مدت نسـبت به مدت مشابه سال گذشته ۴۲ درصد افزایش داشـته اسـت و ۳۵ درصد نیز شاهد افزایش دسـتگیر شـدگان عناصر اصلی توزیع مواد مخـدر بوده‌ایم. غربا گفت: در این مدت ۳۸ باند تهیه و توزیع مواد مخدر در اسـتان نیز شناسایی و منهدم شده است.وی ادامه داد: با توجه به اینکه ایستگاه‌های بازرسی ورودی استان به شدت مراقب حمل مواد به استان هستند، اما شاید یکی از دلایل عمده ورود این مواد به اسـتان، ترفندهای زیاد وارد کنندگان از جمله کول بری مواد از بیراهه‌ها به استان است.

نگرانی از شیوع سونامی مواد مخدر

شیوع سونامی مصرف مواد مخدر در حالی در استان نگران کننده شـده اسـت که بسـیاری از کارشناسان بر این عقیـده هم نظرند که مصـرف بیش از اندازه قلیان‌هـا بـا تنباکوهای فراوری شـده که شـیمیایی هسـتند، نگرانی از گرایش نوجوانـان به مواد مخدر را افزایش داده اسـت. سال گذشته نیز مصطفی حقی دادسـتان سابق مرکز اسـتان اعلام کرده بود که ۲۳ درصد دانشـجویان در معرض مصرف قلیان هستند و ۹۸.۲ درصد افرادی که به مواد مخدر معتاد شـدند ابتدا از قلیان شروع کردند.

خبر

شاخص های توسعه گلستان تغییر می کند

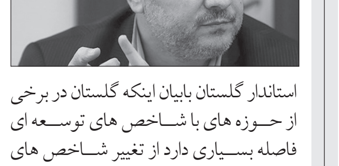

استاندار گلستان بابیان اینکه گلستان در برخی از حـوزه های با شـاخص های توسـعه ای فاصله بسـیاری دارد از تغییر شـاخص های توسـعه ای اسـتان خبر داد. به گزارش مهر، سـیدمناف هاشمی در جلسـه کمیته استانی مجمع استانداران کشور که به میزبانی گلستان برگزار شد، اظهار کرد: هدف گذاری در توسعه استان این اسـت که با کمک مدیران دستگاه های اجرایی تلاش کنیم از استان های برتر در کشور باشیم. وی بابیان اینکه می دانیم گلستان در برخی از حوزه ها با شاخص های توسعه فاصله بسیاری دارد، افزود: تلاش داریم تعهد اشتغال ۱۹ هزار و ۴۰۰ نفری اشتغال استان در سـالجاری را در سال آینده ۳۰ درصد افزایش دهیم. استاندار گلسـتان بابیان اینکه به رونق اشتغال و سرمایه گذاری در گلستان امید داریم، از تشکیل کمیته بررسی شاخص ها در استان خبر داد و اضافه کرد: این کمیته شاخص های توسعه را رصد کرده و در صدد تغییر شاخص های اسـتان خواهد بود. وی با یادآوری اینکه هفت اثر گلسـتان در اسفندماه امسال به ثبت ملی رسیده است، ادامه داد: افزایش صادرات و اشتغال و کاهش تورم و بیکاری در دستور کار استان قرار دارد. هاشمی از گلستان به عنوان اسـتان پاک طیور کشـور نام برد و تصریح کرد: هم اکنون که اکثر استان ها از آنفلونزای پرندگان آسـیب جدی دیده اند اما گلستان هیچ اثری از این بیماری نداشته است. وی بابیان اینکه کشـور تولیـد مرغ و تخم مرغ خود را مدیون گلسـتان اسـت، گفت: هم اکنون سـتاد بحران وزارت کشور ۱۰ برابر خسـارت وارده از آنفلوانزای پرندگان را به اسـتان های آسـیب دیده پرداخت می کند اما حتی یک ریال اعتبار برای اسـتانی مانند گلسـتان که خود را حفظ کرده تخصیص نمی دهد.استاندار گلستان با تاکید بر اینکه برای تغییر شاخص ها در استان تلاش می کنیم از انجام پایش عملکرد در این حوزه و اعلام آمار خبر داد.

ریزگرد گلستان را تهدید می کند

عضو کمیسیون کشاورزی، آب و منابع طبیعی در مجلس شـورای اسلامی گفت: تغییرات اقلیمی در آینده باعث گسترش ریزگردها در کشـور و بخصوص در گلستان می شود. به گزارش مهر، نور محمد تربتی نژاد در جمع نمازگزاران گرگان به گزارش عملکرد خوددر مجلس شورای اسلامی پرداخت و اظهارکرد: در بخش کشاورزی قوانین بسیار خوبی به نفع کشاورزان تصویب شد. وی کشاورزی را یکی از مهم‌ترین موضوعات استان دانست و افزود: بیشترین اشتغال اسـتان در بخش کشاورزی است که در پی خود مسائلی همچون سیاسی و اجتماعی را به همراه خواهد داشت.نماینده مـردم گرگان و آق‌قـلا گفت: با مطالعاتی که انجام شد در ۲۰ سال آینده جهان و بخصوص ایران دچار تغییرات اقلیمی می‌شود که در پی آن شاهد خشکسالی و تغییر دما خواهیم بود. وی افزود: اکنون اگر به این موضوع توجه نشود گردوخاک در استان اتفاق خواهد افتاد و سطح کشت گیاهان کاهش پیدا خواهد کرد.

اطلاعیه تاسیس انجمن صنفی کارگری

به استناد ماده ۱۳۱ قانون کار و آیین نامه مصوب ۷۱/۱۰/۶ هیئت وزیران، انجمن صنفی با عنوان فوق در شرف تاسیس می باشد.از کلیه کارگران شاغل در صنف مربوط دعوت می شود در صورت تمایل به عضویت، از تاریخ انتشار این اطلاعیه ظرف ۱۰ روز درخواست کتبی خود را به نشانی: خیابان سرخواجه ـ سرخواجه ۱۲ ـ مجتمع تجاری آفتاب ۳ ـ طبقه ۳ ـ واحد ۳۰۷ ارسال یا به شماره ۰۱۷۳۲۲۳۰۱۳۱ فاکس نمایند.

هیئت موسس: ۱ ـ شهرام حاجی موسایی ۲ ـ نرگس اصفهانی ۳ ـ سهیلا برزگر

آگهی مزایده عمومی

سازمان فرهنگی اجتماعی ورزشی شهرداری گرگان به استناد ماده ۳۰ آیین نامه معاملات شهرداری و مصوبه ۴۷۶ مورخ ۹۶/۱۱/۱۸ هیئت مدیره در نظر دارد، نسبت به واگذاری دو قطعه زمین فوتبال چمن مصنوعی کابرن واقع در خیابان رازی جنب مرکز بهداشت برای مدت یکسال از طریق مزایده و برمبنای قیمت پایه کارشناسی اقدام نماید. لذا کلیه اشخاص حقیقی وحقوقی واجد شرایط دارای سابقه فعالیت در این زمینه می توانند از تاریخ ۹۶/۱۲/۱۴ تا ۹۶/۱۲/۲۴ به امور مالی سازمان فرهنگی اجتماعی ورزشی به آدرس: گرگان ـ چهارراه گلها ـ خیابان شهید مصطفی خمینی (ره) ـ جنب شهرداری منطقه یک، مراجعه و با رعایت شرایط مزایده، اسناد و مدارک مورد نظر را دریافت و نسبت به تکمیل و تحویل اسناد تا پایان وقت اداری مورخ ۹۶/۱۲/۲۴ در پاکت لاک ومهر شده به دبیرخانه سازمان فرهنگی، اجتماعی و ورزشی به آدرس فوق الاشاره اقدام نمایند.

شماره تماس: ۳۲۱۶۰۶۲۳ و ۳۲۱۶۰۶۲۲ و ۳۲۱۲۶۱۲۰ ـ ۰۱۷

مهستی قدس ولی ـ سرپرست سازمان فرهنگی اجتماعی ورزشی شهرداری گرگان

آگهی دعوت از سهامداران شرکت دادگران عدل هیرکان

سهامی خاص
به شماره ثبت ۱۲۲۶۸ و شناسه ملی ۱۴۰۰۷۱۰۰۴۷۹

بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت دعوت می شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده ـ هیئت مدیره و مجمع عمومی فوق العاده که در تاریخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۶ از ساعت ۸ صبح به آدرس استان گلستان ـ گرگان ـ کمربندی ـ خیابان آموزش ـ خیابان دانشگاه آزاد ـ کدپستی ۴۹۱۴۷۷۳۴۷۸ تشکیل می گردد حضور بهم رسانند.

دستور جلسه:

۱ ـ اتخاذ تصمیم در خصوص انتخاب مدیران ـ انتخاب بازرسین و انتخاب روزنامه
۲ـ تعیین سمت مدیران و دارندگان حق امضا مجاز
۳ ـ و دیگر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده و مجمع عمومی فوق العاده می باشد.

هیئت مدیره شرکت

آگهی‌های ثبتی

آگهی فقدان سند مالکیت

خانم صدیقه تاجیک بیارجمندی با ارائه ۲ برگ استشهادیه گواهی شده توسط دفتر ۱۲۴ گرگان ادعا نموده سند مالکیت ششدانگ پلاک ۲۱۰/۴۸۲ ـ اصلی بخش ۳ ثبت گرگان بمساحت ۴۷۱،۴۳ مترمربع که ذیل ثبت ۴۵۰۴۲ صفحه ۳۳۲ جلد ۳۰۹ بنام صدیقه تاجیک بیارجمندی ثبت و سند مالکیت بشماره مسلسل ۷۵۰۰۷۸ صادر شـده که بعلت جابجایی نامبرده تقاضای صدورالمثنی سند مالکیت را از این اداره نموده اسـت. از این رو باستناد به ماده ۱۲۰ ـ اصلاحی آیین نامه قانون ثبت مراتب در یک نوبت آگهی می گردد تا هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله دیگری انجام داده یا مدعی وجود سـند مالکیت نزد خود باشـد ظرف مدت ده روز از تاریخ آگهی اعتراض کتبی خود را ضمن ارائه مدارک و مسـتندات به این اداره تسـلیم نماید در غیر اینصورت پس از انقضای مدت مذکور برابر مقررات نسبت به صدور سند مالکیت المثنی اقدام خواهد شد.

محمد اسماعیل پور ـ کفیل اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان گرگان ـ ۱۱۵۱ م الف

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین
آگهی فقدان سند مالکیت

آقای عبدالرحمان غنا فرزند آیدغدی به شماره ملی ۲۰۳۱۳۰۸۹۳۹ با ارائه وکالتنامه ۴۴۹۹۷ ـ ۱۳۹۴/۷/۲۳ دفترخانه ۱۱۵ گنبد و با ارائه دو برگ شهادت شهود مصدق، مدعی شـده که سند مالکیت ششدانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین محصور بمساحت ۵۰۲/۳۳ مترمربع به شماره ورقه مالکیت ۵۲۱۲۴۶ د ۹۳ پلاک ۳۳۳۲۴ فرعی از ۱ ـ اصلی بخش ۱۰ حوزه ثبتی گنبد ذیل ثبت ۱۱۲۳۳۶ ص ۳۶۷ ج ۶۲۴ بنام سمیه غنا ثبت و صادر گردیده است، تقاضای صدور المثنی سند مالکیت را از این اداره نموده لذا برابر تبصره یک اصلاحی ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت مراتب یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشار آگهی می گردد و هر کس مدعی وجود سند مالکیت یا سند معامله نزد خود باشد ظرف ۱۰(ده) روز مدارک اعتراض را ضمن ارائه مستندات به این اداره ارائه نماید در غیر اینصورت پس از انقضای مدت مذکور برابر مقررات اقدام خواهد شد.

سارانی ـ رییس اداره ثبت اسناد و املاک گنبد ـ ۸۷۵۴ م الف

آگهی‌های ثبتی

نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی اصلاحی شـماره ۱۳۹۶۶۰۳۱۲۰۰۲۰۰۲۲۵۴ مـورخ ۱۳۹۶/۱۱/۱۲ در کلاسه پرونده ۱۳۹۱۱۱۴۴۱۲۰۰۲۰۰۰۵۹۸ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی کردکوی تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آقای محمد مهدی فغانی فرزند قربانعلی بشماره شناسنامه ۱۳۸۰۹ و کد ملی ۲۲۴۸۵۵۸۲۵۲ در ششدانگ اعیانی بانضمام ۷۶۴ سهم مشاع از ۸۶۴ سهم ششدانگ عرصه که بقیه آن وقف عام است به مساحت ۱۹۳/۷۷ متر مربع پلاک ۲ اصلی واقع در گلستان بخش ۲ حوزه ثبت کردکوی خیابان شهید رجایی تربیت ۳۳ محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شـود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم و بعد از اخذ رسـید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدا مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

عبدالرحمن ایری ـ کفیل ثبت اسناد و املاک کردکوی ـ م.الف: ۸۷۰۶
تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۶/۱۱/۲۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۶/۱۲/۱۴

www.golshanemehr.ir
نسخه اینترنتی
روزنامه گلشن‌مهر

مفهوم تاریخ در عرفان

سید مهدی ناظمی قره باغ

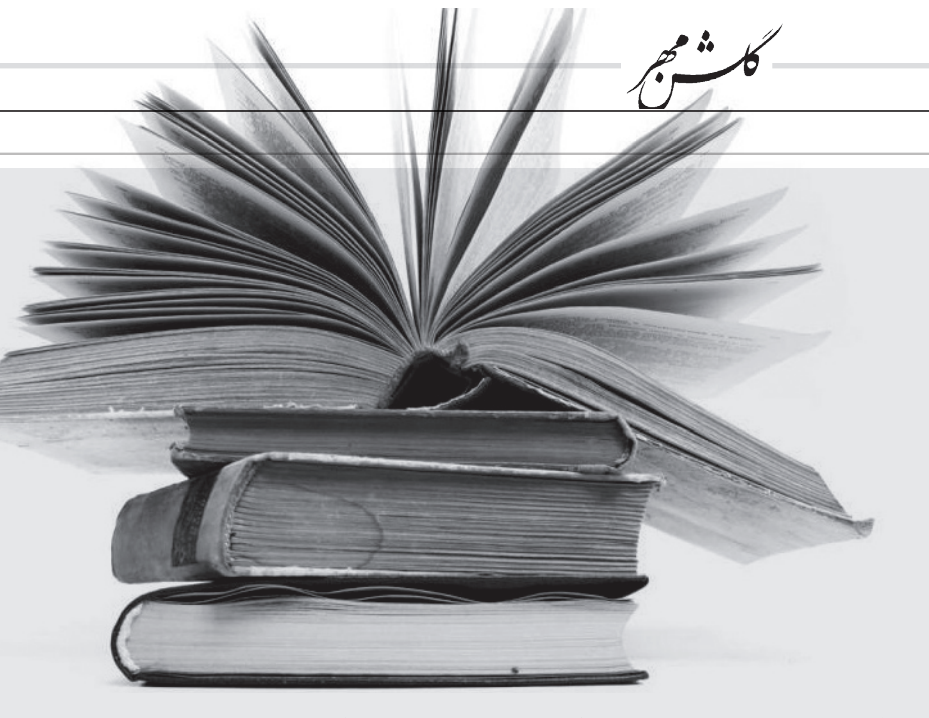

بسیار گفته شـده است و می دانیم که تاریخ یک امر قابل اشاره نیست. اگر افراد و مصادیق برخی از کلیات و ماهیات را بتوان با اشاره حسی نشان داد، تاریخ از آن دسـته مفاهیمی است که مانند معقـولات ثانی، نمی توان آنهـا را مثلاً در حیز طبیعی نشـان داد. در واقع تاریخ، بسی بیشتر از زمان، یک خلق مفهومی است و مربوط به عرصه تفکر و نه عرصه زندگی. امروز در رشته تاریخ، نگاشتهای مختلفی که از سیره ها، نصوص دینی، اشعار، مکتوبات اداری و... بجا مانده است، مطالعه می شود تا فی المثل تاریخ ایران یا تاریخ این یا آن عصر منکشف گردد. اما این کاوش ها و مطالعات، حتی در نزدیک ترین متون به رشته تاریخ، آن متون را «تاریخ» نمی کند و فقط می تواند زمینه ساز نگارش تاریخ شود. چرا مفهوم تاریخ در سرزمینی یا در فرهنگی به وجود می آید و جایی دیگر به وجود نمی آید؟ آیا این امکان فراهم هست که نحوه ای از تاریخـی بودن و تاریخی دیـدن را در ادوار ماقبل مدرن پیگیری کنیم؟ یکی از دعاوی مطرح در کشـور ما، حضور نحوه ای از مفهوم تاریخ و تاریخی بودن در قرابت با معانی موجود در فلسفه های آلمانی است. صاحبان این دیدگاه، معتقدند می توان به ویژه با توجه به معنای Geschichte و Geschichtlichkeit در فلسـفه هیدگر و دیدگاه عرفا مبنی بر استعداد انسان برای دریافتهای مختلف و متنوع از وجود که منجر به ظهور انسانهای مختلف و عوالم مختلفی می شود، همگرایی هایی پیدا کرد. ارزیابی این دیدگاه پرمناقشه را به زمان دیگری واگذار می کنیم و در این یادداشت کوتاه، صرفاً جهت آشنایی بهتر با تلقی ابن عربی درباره «تاریخ»–تاریخی که طبعاً هم لفظ آن غایب اسـت و هم لزوماً معنای مشهور در فلسفه غرب را ندارد– فقره ای از فصوص الحکم را مرور می کنیم. ابن عربی در فصوص پس از اشاره ای به معنای اعتدال در طب قدیم، تأکید می کند که در نظر او راهی به سوی اعتدال حقیقی نیست، زیرا که چیزها، آن به آن، در حال تکوین جدید هستند. از نظر ابن عربی، خداوند با اراده، چیز خاصی را مراد می کند و با مراد کردن هر چیزی، چیزهای دیگری از دایره اراده خارج می شوند. بنابراین اعتدال که ادعای برابر بودن همه چیز در کنار هم است، وقوع ناپذیر می شود.شارح محترم متن در این قسـمت، ابتدا از طبیعت آغاز می کند و تلاش می کند با طبیعیات قدیم نشان دهد که اعتدال در طبیعت بی معناست(دقت داشـته باشیم که اعتدال نسـبی طب در نظر خود ابن سینا هم کاری با اعتدال حقیقی ندارد)، سپس بیان می دارد که با توجه به تجدد امثال که در تمامی عالم جریان دارد (و حرکت جوهری مد نظر ملاصدرا، صرفاً وجه طبیعی این تجدد مدام است)، هیچ تکراری در تجلی رخ نمی دهد. تکرار در تجلی نشانگر ضعف خداوند قلمداد می شود و این از خداوند دور است. در ادامه درباره این اشکال که اگر همه چیز در حال صیرورت مدام است پس چرا ما ثبوت و استقرار می بینیم،چنین پاسخ داده می شود که این مربوط به نظر ناظر است و از شدت و حدت توان صانع است که صورتها در ظاهر ثابت به نظر می رسند. جهان نیز محل همین جهش هاسـت و در این جهش، هر تغییری از گذشته، توأم است با پذیرش صورت جدیدی در آینده. به همین خاطر است که گفته می شود اعتدال امکان پذیر نیست.(ممدالهمم در شرح فصوص الحکم، ۱۳۸۴: ۴۴۱–۴۳۹) بدیهیست که این فقرات به معنای وجود مفهوم تاریخ به مثابه یک اتفاق فکری مدرن در گذشتگان نیست. اما کمی دقت و تأمل در آرای مذکور نشان می دهد که امکاناتی در تفکر عرفا وجود دارد که می شد با تفسیر آنها، از تلقی های رایج افلاطونی–ارسطویی در دنیای قدیم فراتر رفت.

۱–از نظـر عرفا، جهان، جهان صیرورت مدام اسـت و این صیرورت مدام، نه تنها طبیعت و روابط انسـانی را شـامل می شود که حتی امور قدسـی و مراتب بالاتر وجود را هـم در قوس صعود یا نزول دربرمی گیـرد. در جهان، دائماً چیزهایی به کتم عـدم می روند و چیزهایی به ظهور می رسند.

۲–اعتقـاد به ثبوت برخی چیزها، هر چند لازمه زندگی عرفی انسـان است، اما از نظر عرفا، اساساً نشانگر حقیقت جهان نیستو مربوط است به خصلت و وضع انسانی ما. انسانها در کشاکش تغییرات جهان، نمی توانند بر بام حقیقت بایستند و همه تغییرات را دریابند. بنابراین هر چند به مدد تفکر می توان فی الجمله به ذات متغیر هستی اعتراف داشت، اما نمی توان با ادراکات ظاهری خود این تغییرات را فراچنگ آورد.

۳–از آنجا که ذات جهان و انسان، مستلزم تغیر، تضاد و تزاحم است، آرزوی وصال به اعتدال مطلق شـدنی نیست. حیات انسان مشمول غیاب و ظهور اسـت و با به دست آوردن هر چیزی، چیز دیگری را قبلاً از دست داده اسـت. بنابراین وضع انسان، وضع همین تغیرات پی در پی اسـت که البته کم و کیف آن را باید در فقرات دیگری از آثار ایشان جستجو کرد.

دقـت در این مواضع نشـان می دهد که مفهومی خـاص از معنای «تاریخ» در آثار عرفانی قابل پیگیری است و این مفهوم خاص را می توان در مواجهه با سـنت فلسفی مغرب زمین بارور کرد. ثمره چنین مواجهه ای می تواند زایش نگاهی به تاریخ باشـد که برآمده از یک سنت فکری تخصیص یافته به ما باشد و پلی از ورای تفاوتهای بزرگ فکری و فرهنگی ایجاد کرده باشد.

انقلاب اخلاقی زرتشت و دامنه نفوذ آن در تفکر جهانی

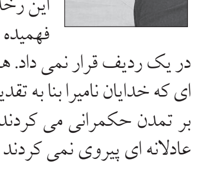

اسماعیل نوشاد –یاسـپرس براین باور بود که تمدن فعلی دوره یا هزاره ای را سپری می کند که بنیان گذاران آن کسانی چون زرتشت، هومر، بودا و پیامبران بنی اسرائیلاند. این سخن تا حدودی درست است. اما به نظر می رسد یاسپرس عمق این رخداد را به درستی درک نکرده است؛ که اگر فهمیده بود این اشخاص را با این همه ناهمگونی در یک ردیف قرار نمی داد. هومر به دوران اسطوره ای تعلق دارد. دوره ای که خدایان نامیرا بنا به تقدیری که چرخ «سرنوشت» جاری می کرد، بر تمدن حکمرانی می کردند. این خدایان از هیچ سرمشق اخلاقی یا عادلانه ای پیروی نمی کردند و تنها سرنوشت بر اعمالشان کامروا بود. انسان میرا در میان این خدایان قدرتمند و نامیرا تنها بایستی که «بختیار» باشد. بختیار باشـد که خدایان نذورات و قربانی های وی را بپذیرند و دلشـان به رحم بیاید.خدایان مانند فرمانروایانی با قدرتی فرابشری بودنـد که بر حوزه خود به صورتی بلهوسـانه حکم می راندند. یکی بر حوزه عشق؛ دیگری جنگ؛ دیگری اقتصاد و روزی؛ دیگری دانش و فن و..؛جهانی هومری تار و پودش بر میخ هایی بافته شـده که این خدایان کوبیده اند. انسـان ها در بهترین حالت می توانند حیله گرانی چون ادسئوس باشند که از میان این بلهوسان زورمند با مکر و نیرنگ و هنرشـان به سلامت می گذرند و به هدفشان می رسند. اما در وهله نهایی این جهان تراژیک است و هوشمندترین انسان ها نیز بالاخره به دام این خدایان می افتند و گرفتار عاقبتی درناک می شـوند. به همین دلیل ژانر ادبی غالب در این دوران تراژدی است. پس هومر نمی تواند هم عرض زرتشت باشد. نوشته های هومر مربوط به عصر برنز است؛ عصر پهلوانی و تراژدی. بودا نیز نمی تواند هم عرض زرتشت باشد. بودا یکی از کسانی است که در مقابل جهان اسطوره ای می ایستد. اما روش بودا با زرتشـت متفاوت اسـت. روش او کنارهگیری از جهان است. او توصیه میکند در مقابل این جهان نیرنگ باز انسان باید از تمامی دام های سرنوشت بگذرد و سرانجام با عبور از «پرده پندار مایا»، از دنیا و زیباییها و تمنیاتش، کناره بگیرد. قطعاً راه زرتشـت این چنین نبوده است. زرتشت دنیا گریز نیست و به شدت تمدن و به ویژه کشاورزی را تبلیغ می کند. پیامبران بنی اسرائیل نیز به همین ترتیب. آنها در نهایت قانونگذاران و مبدعان سنتهای قومی یهود بوده اند؛ یک پدیده معمولی مانند سایر سنت گذران قومی. واقع امر هم این است که یهودیت تنها با گسترش مسیحیت معنایی جهانی یافت.

تأثیر اخلاق زرتشتی بر سیاست

با روایتی که بیان کردیم، کار زرتشـت در تاریخ تمدن یک کار تکینه اسـت و افتخار ابداع دوره محوری که یاسـپرس اعتقاد دارد هنوز در این دوران هسـتیم را، باید به او داد. زرتشـت اولین فردی بود که به طریقـی آری گویانه به تمدن و در جهت تثبیت عصر کشـاورزی در مقابل خدایان آریایی یا دیوها ایستاد.زرتشـت را می توان بنیان گذار عصر آهن دانست. کسی که پایان عصر برنز، عصری که هومر نماینده آن اسـت را، اعلام کرد. او در مقابل جنگجویان و خدایانشـان یعنی «کـی» ها و «دیو»ها ایسـتاد و با ایده «نیـک» بافتار فرهنگی و اقتصاد سیاسـی آنها را به چالش کشـید. خدایان دیگر به صرف نامیرا بودن و زورمند بودن، پرسـتیده نمی شدند؛ آنها در صورتی شایان پرستش هستند که بر مبنای قانون خیر یا «اشه» رفتار کنند. در غیر این صورت از لشـکریان «اهریمن»اند. وظیفه انسـان دیگر جنگاوری و نام آوری نیست، بلکه دستیاری خدایان نیک در جنگی هستی شناختی با خدایان بد می باشد. بدین ترتیب برای اولین بار اخلاق در بعدی انتولوژیک و در نحوه خاص بودن انسان–در–جهان، طرح ریزی شد. سیاست نیز به این ترتیب بُعدی الهیاتی یافت. جامعه فاضله سیاسی، جامعه ای هست که نظام آن هدایتگر این جهان و آن جهان انسان، برای رسیدن به خیر برین و جاودانه باشد. این روند بدون شکنیاز به «حکمت خالده» داشت.

ETHICS
MANAGEMENT
MORALITY
ETHIC
MORAL
PRINCIPLES
VALUE
INTEGRITY
IDEA
CONCEPT
ETHICAL
BUSINESS
CHOICE

حکمتی که روال کار و در نهایت رسیدن به رسـتگاری را به انسان نیک می آموخت. حتی پدید آمدن ایده «آرمانشهر» چه در شرق و چه در غرب نزد کسانی چون افلاتون، ارتباط مستقیم با انقلاب زرتشتی داشت. چنین سیاستی کم و بیش پس از زرتشـت هدایتگر اندیشه سیاسـی در ایران بود و میتوان به مثابه یک پیوستار ایدئولوژیک در دولتهای ایران باستان آن را پیگیری کرد؛ ولی در زمان اردشیر ساسانی بود کـه این سیاسـت الهیاتی در جهت تاسیس مدینه فاضله آشکار و به روشـنی تبیین شـد. در آن زمان این سیاست دو دلیل داشت: نخست نیاز به انسجام و پیوستگی درونـی در راسـتای ایجـاد یک دولت متمرکز؛ روشن است که با خدایان متعدد و بلهوس در آسمان و شاهان کوچک و بزرگ بر روی زمین که هر کدام می خواهند در حوزه حکومتی خود فعال مایشاء باشـند، ایدهـی یـک حکومت مرکزی قدرتمند و منسجم بر روی هواسـت. بنابراین فقه زرتشـتی لازمـه تمرکـز درونی حکومت گردید. البته این ایده در دوران هخامنشی یا اشکانی نیز کمابیش دنبال می شد، ولی در زمان اردشیر بود که به صورت رسمی و منسجم تحقق یافت. این سیاست مبتنی بر الهیات، مسئولیت تشکیل مدینه فاضله ای را بر عهده گرفت که هدف از تشکیلش رستگاری این جهانی و آن جهانی شهروندان بود. کنستانتین امپراتور روم نیز به تبعیت از وی در سال ۳۱۳ میلادی مسیحیت را دین رسمی امپراتوری روم اعلام کرد. بعد از اسلام خلافت عباسـی نیز به تبعیت از او در جهت استقرار یک دین رسمی و حکومتی تلاش کرد و صفویان شـیعه نیز به همین ترتیب. بنابراین سیاسـت اردشـیر را بر مبنای انقلاب زرتشتی، می توان یک سیاست جهانی قلمداد کرد. این رویه در ایران تا امروز نیز ادامه یافته است. دلیل دوم مربوط به مباحث حقوقی و قانونی بود. قبل از ساسانیان بالاترین مقام قضاوت شاه بود. این وظیفه از طرف وی به سایر مقامات تفویض می َشد. شاه می توانست مجرمی را بنا به میلش بیشتر از حد جرمش یـا کمتر از حد آن مجازات کند. قانون خاصی موجود نبود؛ همه چیز به اراده شـاه یا قاضی جواز یافته از طرف وی بسـتگی داشت. در این میان برخی شاهان بودند که به اصطلاح عادل بودند. چنین شاهانی به دلیل قدرت زیادی که داشتند می توانستند یک سری قوانین را در سطح کشور به صورتی متمرکز به اجرا بگذارند. چنین پادشاهانی در نزد عامه محبـوب و قدرتمند بودند؛ چرا که از سـتم گردنکشان و شاهک های محلی با خشـونت و اجبار جلوگیـری می کردند. شـاهانی کـه از دید مورخـان خارجی به نظر سـتمگر می آیند، اما از دید مردم ایران عادل محسـوب می شوند! شاهانی مثل داریوش اول هخامنشی یا عباس اول در عصر صفوی چنین پادشـاهانی بودند. بـه هر صـورت این اشـخاص اسـتثنا بودند و اغلب اوقات این فرمانروایان محلی بودند که با ستم و خودخواهی هر چه تمام تر بر رعایا حکمرانی مـی کردند. کار اردشـیر در جهت تقریر فقاهت زرتشـتی بر مبنای اوستا و زند و فتاوی روحانیان زرتشتیدست این گردنکشان محلی را کوتاه کرد.، پـس از این جهت در زمان خود یک پیشرفت محسوب می شد. فراموش نکنیم که یکی از دلایل و احتمالا مهمترین دلیل سـقوط اشکانیان، بی قانونی و گردنکشی شـاهک های محلی و نارضایتی عامه از این وضعیت بود. اردشیر این مشکل را تشخیص داد و راه حلش تقریر قوانین حقوقی و قضایی کشوری بر مبنای فقه زرتشتی بود.

تأثیر اخلاق زرتشتی بر تأسیس فلسفه

اما انقلاب زرتشتی یک جهت جهانی داشت، که به لحاظ ایدئولوژیک بی اندازه مهم است.این موضوع همانا تأثیر زرتشت بر مؤسس واقعی فلسفه یعنی افلاطون است. بسیاری از یونانیان هم عصر افلاطون، وی را تحـت تأثیر پیامبر ایرانی می دانسـتند؛ برخی پـا فراتر نهاده او را «مجدد زرتشـت» می دانستند. براسـتی چرا معاصران افلاطون چنین لقبی به وی داده اند؟ انقلاب اخلاقی زرتشت، چه تأثیری بر تأسیس فلسفه نهاده است؟

تأثیر انقلاب اخلاقی زرتشت بر تأسیس فلسفه را می توان از دو جهت دنبال کرد:

یکم: تقویم سوژه

وقتی بنیادهای هسـتی شناختیک به وجهی قومی یا جهانی تغییر می کنند، ابتدا بایست که سوژهای ویژه برای این تغییر بنیادین برنهاده شود. بدون این سوژه این دگرگونی میسر نیست. ابتدا بایستی ذهن یا سوژه از بنیادهای هستی شناختیک سابقش جدا شود یا این بنیادها را به تعلیق درآورد. همـان گونـه که قبل از ظهور علم مدرن ابتدا دکارت سـوژه مدرن را ساخت. این حرکت در پدیدارشناسی هوسرل اپوخه یا تعلیق استعلایی نام دارد. اپوخه یعنی قرار دادن جهان تاکنونی در پرانتز. یکی از مسأله های لاینحل پدیدارشناسی هوسرل همین چگونگی آگاهی و قصدیت آغاز تعلیق استعلایی و ابزار و روش این فرایند است. شاید اگر هوسرل اندکی از تاریخ اروپامحورش فاصله می گرفت، دلیل تعلیق استعلایی را درک می کرد. دلیل آغاز به تعلیق استعلایی و ابزار آن همانا امر اخلاقی است. این پدیده در یک روند تاریخی رخ می دهد. نوعی «غثیان» از وضعیت موجود پیش زمینه هر تغییر تاریخی بزرگی است. غثیان از آگاهی ناخشنود اخلاقی نشأت می گیرد. این وضعیت ابتدا در ذهن رخ می دهد و باعث تعلیق ارزش های رایج میگردد. بدین ترتیب تعلیق استعلایی باور های سوژه، وهمزمان دوره ای از شکاکیت بنیادین آغاز می گردد. این اتفاقی بود که در یونان باستان با ورود سوفسطاییان و شکاکیت آنها نسبت به جهان اسطوره ای آغاز گردید. اخلاق و ارزش های نو پس از این شکاکیت وارد می گردد. در زمان افلاتون این نقش را اخلاقی بازی کرد که برای اولین بار در تاریخ تمدن زرتشـت بانی آن بود. افلاتون با ابزار اخلاق زرتشـتی سوژه ای جدید را ساخت. به همین خاطر در بین اعضای آکادمی به «مجدد زرتشت» شهره شد. این ارزش های جدید سـوژهای که از قبل به حالت تعلیق است را دچار یک تغییر نگرش بنیادین می کند. اما درست از همینجا راه افلاتون از زرتشـت و یونان از ایران جدا شد. پاسخ هستی– به قول هایدگر– به تعلیق استعلایی یونانی و اخلاق نظری افلاتون لوگوس بود. در صورتی که اخلاق امری زرتشت حکمت یا گنوسرا سرلوحه خویش قرار داد. اکنون جای ادامهی این بحث نیست. اما این نکته را اضافه کنیم که نیچه به همین دلیل پس از بیسـت و پنج قرن به سراغ نقد اخلاق زرتشتی رفت نه محاوره های افلاتون. ریشه جریان در اخلاق زرتشتی بود. تا زمانی که ذهن ها تغییر نکند، جهان تغییر نخواهد کرد. تغییر جهان منوط به تغییر نگرش به جهان یا جهان بینی است و این تغییر نگرش نیز منوط به تغییر ارزشهای ذهن یعنتغییری اخلاقی است.

دوم: تقویم حقیقت

فلسفه به دنبال کشف چیست؟ آیا غیر از این است که به دنبال حقیقت اسـت؟ آیا غیر از این اسـت که گزاره های فلسـفی تلاش می کنند معطوف به حقیقت باشند. پرسش دیگر: چرا قهرمانان هومری به دنبال حقیقت نیستند؟ چرا جستجوی حقیقت با تأسیس فلسفه به یک مسأله تبدیل می شود؟ پاسخ این پرسشها را نیز در جایی دیگر جست. تقسیم جهان به خیر و شر، فقط معطوف به باورهای ذهنی نیست. این تقسیم بعدی انتولوژیک دارد. در اخلاق زرتشتی، این جهان است که تقسیم می شود و از انسان دعوت می شود که دستیار اردوگاه نیکی باشد. در عین حال این تقسیم، تقسـیم به حقیقت و دروغ نیز می باشد. دیوان مظهر دروغ و دروندی و اهورآییان مظهر خیر و راستی. واژه های دروغ و راسـتی یا نیک و بد از کلیدواژه های خود زرتشـت اند، بدون هیچ تفسیری. واضح است که تنها با تعبیه این مفصلبندی ایدئولوژیک در هستی یعنی راستی/دروغ است که، اصولا معرفت شناسی هدفمند می گردد. و گرنه معرفت شناسـی فلسفی که افلاتون و ارسطو بنا کردند، بدون این مفصلبندی بدل مشود به تئوریا و فرضیات صرف. تئوریا یک رخداد اندیشـگانی و اصیل یونانی است. این ذهن یونانی بود که با بازیگوشـی خاصش برای اولین بـار در تاریخ، به جای اینکه مانند گذشـتگان در مورد جهان گزاره هـای مقدس صادر کند، در مورد جهان فرضیه یا تئوری داد؛ بدون اینکه متهم به کفر و شـرک شود. تئوریای مشـروط جـای گزاره های مقدس و نامشـروطرا گرفت. «جهان از آب سـاخته شـده» یا «جهان از آتش ساخته شده »؛ اینها سرآغاز بینش تئوریک نسبت به جهانند. اما بدون مفصلبندی هستی شـناختیک زرتشـتی یعنی بازتولید ایدئولوژیک جهان در دوگانه حقیقت/دروغ، این تئوری در ذهن باقی خواهد ماند وبه شـکاکیت صرف می انجامد و تئوری های انسان معیار شناخت هر چیزی می گردد: پروتوگوراس.

بحرانِ تفرّق در نظام علوم

حامد روشـنی راد – «منطقیـات. طبیعیات. الهیـات. مدنیات».ایـن ترتیـبِ علـوم نزدِ فیلسـوفان مشـاء اسـت. گذشـته از تدوین گران آثار فلسـفی ارسـطو در دورهٔ باستان، ابن سـینا نیز دایره المعارف شـفا رابا همین ترتیب تنظیـم میکند. اکنون بـه تنظیم علوم نزد هگل آنگونه که در «دایره المعارف علوم فلسفی» مدون شـده دقت کنید: منطقیات. طبیعیات. علوم روحی. (که بترتیب به سـاحاتِ «فی نفسه»، «لغیره» و «فی نفسهٔ لنفسه» می پردازنـد). در همینجا با اندکی دقت نـه تنها به عظمت و ماهیتِ اندیشـهٔ هگل، بلکه به عظمت و ماهیتِ رخداد «مدرنیته» آنگونَه که هگل صورتبندی کرده اسـت میتوانَ پـی بُرد. علم الهیات در فلسـفهٔ مدرسی شامل دو بخش بود: الهیات اعم و الهیات اخص. موضوعِ علم نخسـت «وجود» اسـت، و موضـوع الهیات اخص «خدا وَ مفارقات». دو پرسـش لاینحل در فلسفهٔ مدرسی، نخست این بود که: آیا منطق علم به چیزیست یا صرفا ابزار است؟ و دوم اینکه: مابعدالطبیعه علم به وجود اسـت یا به اشرف موجودات؟ دو اصـلاح بنیادین هگل در نظام علوم فلسـفی، دقیقا همین دو نقطهٔ آسـیب پذیر را نشـانه میـرود و دو اقـدام بنیادین او برای اصلاح نظام علوم این اسـت:

۱–الهیـات به معنـای اعم با منطق ادغام میشـود. (زیرای قوانین فکر همان قوانین وجود اسـت و لذا منطق همان وجودشناسـی)

۲–الهیات به معنای اخص با «مدنیات» ادغام میشود. (زیرا خدا و مفارقات برای هگل هیچ نیست جز «اومانیته» و موسسات روحی که برترین آنها «دولت» اسـت. آنچه حکمـای اوایل مفارقات و نفوس فلکَی مینامیدند و آنچه ارسـطو آن را اندیشهٔ خود اندیش مینامیـد و جایگاه آنها را در افلاک و آسـمان میپنداشـتند، برای هـگل همان روح مطلق اسـت که به دلیل از خـود بیگانگی، در حکمت باسـتان خود را ذیلِ ایدهٔ طبیعت میشناسـد. نفس فلکی با رسـیدن بـه مرتبهٔ خودآگاهـی تام، گویی از آسـمان به زمین بـاز میگردد، و به صـورت «دولَت» متجلی میشـود. و این یعنی تمامیت یافتن خودآگاهـی در تاریخ). با ادغام و اندماج «الهیات اخص» و «علوم مدنی» سـاحتی پدیدار میشـود که آنراَ «ساحت تاریخ» مینامیم، و علم متکفل شـناختِ آنرا علوم انسانی یا علوم تاریخی یا روحی (GeschichtsoderGeisteswissenschaften). بدین معنا علوم انسـانی بنیـان مابعدالطبیعی خود را در «الهیات اخص» و «سماویات» دارد. با این اصلاحاتِ هگل، یعنی دو شـقه کردن الهیات، سـپردن «امور عامه» به منطق و سـپردن «الهیـات اخص» به علوم مدنی، سیسـتم علوم به اوج تمامیت و خودبسندگی میرسـد. «منطقیات، طبیعیات، الهیات، مدنیات» در هـگل جای خود را به «علم منطق، علم طبیعی، علم روحی». این نقطهٔ اوج و تمامیت یافتن علوم دقیقاَ نقطهٔ فروپاشی و تفرّق علوم اسـت. زیرا معنای واحدی که وحدت و انسجام نظام علوم را در فلسـفهٔ مشاء ضمانت میکرد، در اینجا مفقود میشود، و همانگونه که هایدگر در اول پیشـگفتار هستی و زمان بدرستی میگوید: «با هگل وحدتِ هسـتی در مقابل کثرت مقولات که ارسـطو مطرح کـرده بود از کف میـرود». با از میان رفتن ایـن «معنای واحد»، علـم متافیزیک که متکفل شـناخت آن و نیـز متضمن وحدت و انسـجام نظام علوم بـود، جایگاه خود را از دسـت میدهد، و از ایـن پس فلسـفه به عنوان یکی از زیرشـاخه هـای علم تاریخ، صرفا عهده دار شـناخت دسـته ای از پدیده های تاریخی به نام «نظامهای فلسـفی گذشـتگان» و پیرایش و تنقیـح و تفهیم و در بهترین حالت متکفل «تفسـیر» آنها میشود (درست همانگونه که یک مورخ متکفل شناسـایی وقایع تاریخی در گذشـته است). با تغییر وظیفهٔ فلسـفه از «تفکرَ» به «تتبع تاریخی» اسـت که روز به روز شـکاف میان علوم و بیش از همه شـکاف میان علوم طبیعی و تاریخی بیشـتر و بیشتر شده و نیروی عظیم فکری مکاتب بعد از هگل نیز نه تنها این شکاف و تفرق (این بحران علوم اروپایی به قول هوسـرل) را نمیتواند رفع کند، بلکه در خود علوم طبیعی و تاریخی نیز زیرشـاخه های مختلف آنها مدام از یکدیگر منفک و متفرق شده و صرفاً به زور نهادی به نام «دانشگاه» و تمهیداتی ماننـد «علوم میان رشـته ای» گردهم آمده تا بـه بیان هایدگر در کتاب متافیزیک چیسـت «با نظام دانشگاهها و دانشکده ها نوعی «وحدت تکنولوژیکی» بر رشته های مختلف علوم تحمیل شود». تفرّق و گسسـتِ حادث در نظام علوم مختلـف، نه یگانه وجه بحـران علوم، اماَ قطعـا از مهمترین وجوه ایـن بحران در جهان معاصر اسـت، که فهم آن جز از طریق تفکر هسـتی شناختی در مبـادی تاریخی علوم مـدرن و لحظهٔ گسسـت آن از نظام علوم قدما قابل فهم نیسـت.

یادداشت

کارآیی فلسفه و فلسفه‌ورزی در زندگی

درنگی اندر بابِ فلسفه‌درمانی

مسعود زنجانی–به تعبیر مونتنی، فیلسوف و ادیب فرانسـوی عصر رنسـانس اروپا، «روح مـا زودتر از جسـم ما چـروک بر مـی‌دارد»، امـا چون چروک‌هـای روح به راحتی جسـم دیده نمی‌شود، از آن غفلت می‌ورزیم. آیا انسان‌های امروزی یک‌صدم زمان و میزانی که تنها برای زیبایی پوسـت خـود می‌اندیشـند و می‌کوشـند، بـرای نیرومندی، شـادابی، زیبایی، و جوان‌ماندن روحشان، می‌اندیشـند و می‌کوشند؟ و آیا اساسـاً نزد آنها اندکی ایده و اراده مشابهی مشاهده می‌گردد که نشانگر نگرانی جدّی آنها نسـبت به زیبایی روحشـان باشـد؟ به‌راستی، چرا همان‌گونه که نزد همگان این نکته بداهت دارد که چنانچه جسـم مدتی طولانی بی‌غذا، کم غذا، یا بدغذا بماند و یا دچار رخوت و سستی شود از پا درمی‌آید، ایـن حقیقت نزدشـان بدیهی نیسـت که روح هـم نیازهایـی مشـابه دارد و اگر با بی‌غذایـی، کم‌غذایی، بدغذایی، بی‌تحرّکی و عدم پویایی مواجه شود، پژمرده، افسرده و فرسوده خواهد شـد؟ یونانیان فلسفه را نوعی «رژیم غذایی» مفید و ضروری برای «سلامت روان» می‌دانسته‌اند؛ چنانکه آن را «ژیمناستیک روح» نیز می‌خوانده‌اند. فلسفه بـرای آنها، نه مجموعـه‌ای از «آموزه»های سـاخته و پرداخته، و نه صرفاً یک «شـیوه دانسـتن»، و نه یک فعالیت نظری مختص بـه نخبـگان، بلکه یک «شـیوه زیسـتن» ضـروری برای همه شـهروندان به منظورِ «زندگی سعادت‌مندانه» بوده است. متأسفانهَ در دنیـای جدید، رفته‌رفته، فلسـفه از آن خاسـتگاه اصیل تاریخی و جایـگاه رفیع فرهنگی خود در عصر باسـتان دورگشته؛ نیروی روشـنگر و درمانگرش را از دست داده؛ و از فروکاسته شدنش به یک «فعالیت نظـری»، یا یک «رشـته دانشـگاهی»، و یا یک «جلوه روشنفکری» رنج می‌بَرد. باری به تعبیـر دیوید ثـورو، فیلسـوف عارف مسـلک قرن نوزدهـم اروپایـی، «امروزه پرفسـورهای فلسـفه داریم، اما فیلسوف نداریم!» «فلسفه‌درمانی»، در واقع، بازگشت به تعبیر فلاسـفه باستانی از فلسفه به مثابه «هنر خوب زندگی کـردن» و «هنر خوب مردن» و تعالیم آنها به همین منظور اسـت. به عبارت دیگر، «فلسفه» چیزی نیست جز «خردورزی ضروری آدمی برای خوشبختی خویـش». از ایـن منظر، تاریخ فلسـفه را می‌توان تاریخ کوشش‌های فکری و نظری برای دفاع از «زندگی» و بهبود عملی آن، و نهایتاً کمک به «خوشبختی» آدمی دانست؛ چنانکـه می‌توان هر فیلسـوف را نیز یک «طبیـب فرهنگـی» خواند که به شـیوه و به نوبه خود، می‌کوشـد تا «خوشـبختی» را بـرای عصـر خویـش ارمغـان آوَرَد. بنابراین، «خوشبختی»، به یک معنا، چیزی نیسـت، جز «فلسـفه‌ورزی»؛ یعنی همین «گفت‌وگـوی دوسـتانه و جُسـت‌وجویِ خردورزانه دربارهٔ خوشبختی».

بس بگفتم کو وصال و کو نجاح
بُرد این کو کو، مرا در کوی تو
(مولانا)

ما به درسـتی از همگان توقّـع نداریم که طبیب، یعنی یک سلامت‌شـناس حرفه‌ای، باشـند، امـا، در عین حـال، از یکان‌یکان آنهـا توقّـع داریم که به سـلامت جسـم خود بی‌اعتنا نباشـند و یک شـیوه زندگی متناسب برای داشتن جسمی سالم، نیرومند و شـاداب برگزیننـد. با همیـن رویکرد، می‌توان گفت اگرچـه از همگان نمی‌توان و نمی‌بایسـت انتظار داشت که فیلسوف حرفه‌ای یا به اصطلاح «پرفسـور» فلسـفه باشـند، امـا از همه می‌توان و می‌بایسـت انتظار داشت که فلسفه بورزند و فیلسوف باشند. چراکه فلسفه دقیقاً فایده و ضرورتی مشـابه ورزش و رژیم غذایی دارد، البته نه در ارتبـاط با «جسـم»، بلکـه در ارتباط با «روان» آدمی. بدیـن معنا، لزومی ندارد که همگان پزشک، مهندس، نویسنده، عکاس، نجار، یا نانوا باشند، چراکه هرکسی را بهر کاری سـاختند؛ امـا از آنجاکه هیچ‌کس را از خوشـبختی ممنوع نساخته‌اند، ضروری اسـت که همگان برای خوشـبختیِ خود خـردورزی پیشـه کننـد؛ یعنـی همگان می‌بایست به شیوه خود یک فیلسوف باشند و به نوبه خود فلسـفه بورزند. از همین رو اسـت که اپیکور، فیلسوف یونانی (۲۷۰ – ۳۴۱ پیش از میلاد)، فلسفه را با خوشبختی قیاس می‌کند که نه پیر و نه جوان نمی‌تواند نسبت به آن بی‌اعتنا باشـد: «برای مراقبت از نفس خود نه هرگز خیلی زود اسـت، نه هرگزَ خیلی دیر. پس باید به هنگام جوانی و پیری، فلسـفه ورزیـد.» اپیکور در پیوند فلسـفه و زندگی تا آنجـا پیش می‌رود که از ما می‌خواهد: «مـا باید همزمان بخندیم و بـه فلسـفه بپردازیم و کارهـای خانه را انجام دهیم و از سـایر اسـتعدادهای خود بهره‌برداری کنیم.»